

تصحیف و اژده باختن

در اغلب نسخه های خطی شاهنامه

باختن (و بازیدن) علاوه بر معانی متداول امروز چون زیان کردن در قمار و شکست خوردن در بازی و چیزی از دست دادن ، یعنی معانی مقابل بردن ، در نظم و نثر فارسی به معنی بازی کردن ، سرگرم شدن و ورزیدن نیز فراوان به کار رفته است . چند مثال :

زمانه اسپ و تو رایض به رای خویشت تاز

زمانه گوی و توچوگان به رای خویشت باز

رودکی (چاپ نفیسی) ، ب ۳۰۴

ای منافق یا مسلمان باش یا کافر به دل

چند باید با خداوند این دوالک باختن

(= نیرنگ زدن)

ناصر خسرو (چاپ مهدی سهیلی) ، ص ۳۴۱

شاه دل گم گشت و چون شطرنج را شه گم شود

کی تواند باختن شطرنج را ، شطرنج باز

منوچهری (چاپ دبیرسیاقی) ، ب ۶۶۱

مهره‌های چشم گردانی و بازیها ببری

تو حریف شوخ چشمی با تو نتوان باختن

کمال اسماعیل

آتشم در جان گرفت از عود خلوت سوختن

توبه کارم توبه کار از عشق پنهان باختن

(= ورزیدن)

اسب در میدان رسوائی جهانم مردوار

بیش ازین در خانه نتوان گوی و چوگان باختن

سعدی ، غزلیات عرفانی

ای که نرد و شطرنج می‌بازید.

تفسیر قران مجید (چاپ جلال متینی) ، ج ۱ ص ۳۲۳ .

من باهمین مرد يك ندب نرد باختم ، به شرط آنك اگر او برد ،

هر چه خواهد بدهم ، و اگر من برم هر چه فرمایم بکنند و نرد من بردم .

سندباد نامه (چاپ احمد آتش) ، ص ۳۱۰ .

فصل در ذکر آداب ندمت و شرح باختن شطرنج و نرد و آن

شطرنج و نرد است که بنهادند تاندریمان با پادشاه بیازند ... ماهر چهار باب

بر سبیل اختصار بیان کنیم که چون می‌باید باختن .

راحة الصدور راوندی (چاپ محمد اقبال) ، ص ۴۰۵ ، ۴۰۷ ، ۴۰۸ .

امروزه جز بعضی از مشتقات فعل بازیدن چون بازی ، بازیچه ،

بازیگر و بازی کردن و غیره ، خود فعل باختن و بازیدن در معانی بالا

دیگر استعمال نمی‌شود . در شاهنامه اغلب ناسخان این فعل را با فعل

دیگری عوض کرده اند :

افراسیاب به سیاوش پیشنهاد میکند که فردا روز خود را با چوگان بگذرانند :

شبی با سیاوش چنین گفت شاه
که فردا بسازیم هر دو پگاه
که باگوی و چوگان به میدان شویم

زمانی بتازیم و خندان شویم

۱۳۰۶/۸۵/۳

واژه دوم مصراع دوم بیت دوم در اغلب نسخه‌ها با ضبط متن یعنی «بتازیم» یکی است. هر چند لازمه چوگان بازی اسب تازی است، ولی هدف افراسیاب و سیاوش چوگان باختن است نه اسب تاختن. آنها می‌خواهند روز را با چوگان بازی بگذرانند. بنابراین ضبط نسخه خطی کتابخانه عمومی لنینگراد مورخ سال ۱۳۳۳ هجری (و نیز ضبط نسخه خطی انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی مورخ ۸۴۹ هجری که در موارد بسیاری با نسخه لنینگراد مطابقت دارد، چنانکه باید اصل هر دو نسخه مستقیم یا غیر مستقیم به یک نسخه واحد برگردد) را باید صورت اصلی دانست: «زمانی بیازیم و خندان شویم». یعنی: «باگوی و چوگان به میدان رویم و زمانی را بازی کنیم و شادی نمائیم». به علاوه شادی کردن به بازی کردن بیشتر می‌خورد تا به تاختن.

در داستان کاموس کشانی ایرانیان پس از آنکه از تورانیان شکست می‌خورند، شبانه فرار میکنند و به کوه هماون پناه می‌برند. پیران بعد از آگاهی از فرار ایرانیان معتقد است که باید صبر کرد تا افراسیاب با سپاهش

برسد و آنگاه به تعقیب ایرانیان پرداخت ، ولی پسر او هومان با این رای مخالف است و میترسد که این اتلاف وقت موجب آن شود که ایرانیان خود را به ایران رسانند و فرصت از دست برود . هومان به پیران :

نمائیم تا نزد خسر و شوند	به درگاه او لشکری نشوند
ز زابلستان رستم آید به جنگ	زیبانی بود همگین زین درنگ
کنون ساختن باید و تاختن	فسونها و نیرنگها ساختن
چو گودرز را با سپهدار طوس	درفش همایون و پیلان و کوس
همه بی گمانی به چنگ آوریم؛	بد آید چو ایدر درنگ آوریم

۴۸۳/۱۴۶/۴ - ۴۸۷

اگر چه در اینجا بر اصطلاح « نیرنگ ساختن » ایرادی نیست ، ولی با وجود آن ضبط دو نسخه نامبرده اصلی است : « فسونها و نیرنگها باختن » ، یعنی : حيله و نیرنگ بازی کردن . به ویژه آنکه بر طبق این ضبط کلمه ساختن نیز دوباره تکرار نشده است .

در داستان آوردن شطرنج موبدان از شاه یک هفته مهلت میخواهند

تا راه این بازی را کشف کنند :

بدو گفت يك هفته ما را زمان
ببازیم هشتم به روشن روان

* * *

فرستاده را پایبگه ساختند	یکی خرم ایوان پیرداختند
برفتند یکسر به نزدیک شاه	رد و موبدان نماینده راه
نگه کرد هر يك ز اندازه بیش	نهادند پس تخت شطرنج پیش
ز هر دست یکبارش انداختند	بجستند و هر گونه ای ساختند

یکی گفت و پرسید و دیگری شنید نیاورد کس راه بازی پدید

۲۰۸/۸/۲۶۶۳ به بعد

معنی مصراع اول بیت پنجم چنین است: «راز و راه بازی را جستجو کردند (= بجستند) و مهره های شطرنج را مکرر روی صفحه چیدند و پس و پیش کردند (= هرگونه‌ای ساختند)». معنی مصراع دوم آن چنین است: «و به گونه های مختلف مهره ها را از نو چیدند؛ بازی را از نو طرح کردند؛ از نو اندیشیدند». بدین ترتیب مصراع دوم فقط تکرار نیمی از مطلب مصراع اول است. و اگر هم در مصراع دوم «انداختن» را به معنی رای زدن و طرح کردن و چیدن نگیریم که دیگر در این صورت این مصراع به کلی بی معنی است. و اما ضبط دو نسخه نامبرده چنین است: «ز هر دست يك با دگر باختند». یعنی: «به گونه های مختلف با یکدیگر (شطرنج) بازی کردند (تا مگر راه درست بازی را پیدا کنند)». با این ضبط مطالب مصراع اول تکرار نمیکرد، بلکه کامل میشود و به علاوه عبارت روان «يك با دگر باختند» بر عبارت ساختگی «یکبارش انداختند» که ناسخان به ما انداختند، برتری دارد.

برعکس در بیت اول با وجود آنکه واژه اول مصراع دوم در نسخه خطی لندن مورخ ۶۷۵ هجری و نسخه لنینگراد و نسخه مورخ ۸۴۹ «بیازیم» ضبط شده است، مصححان شاهنامه چاپ مسکو در اینجا ناروا از روی نسخه های خطی دیگر ضبط «بیازیم» را وارد متن کرده اند. آوردن به معنی نشان دادن و پدید کردن و ظاهر ساختن و در اینجا به معنی «راه

بازی را پدید آوردن» است که در مصراع دوم بیت پنجم آمده . میگوید:
 «هفت روز به ما مهلت بده ، روز هشتم به پایمردی اندیشه روشن خود راه
 بازی را نشان خواهیم داد» و نه : «هفت روز به ما مهلت بده ، روز هشتم...
 بازی خواهیم کرد » که لفظی بس ناپخته است .

بدین ترتیب واژه قدیمی باختن و بازیدن در اغلب نسخه ها تصحیف
 شده است مگر در دو نسخه و متأسفانه مصححان شاهنامه چاپ مسکو در
 هیچیک از این موارد باختن و بازیدن را وارد متن نکرده اند مگر یکبار که
 نباید میگردند . نسخه لنینگراد علاوه برشواهد فوق در موارد بسیار
 دیگری نیز صورت اصلی را ضبط کرده است .